

فرهنگ لغات و اصطلاحات وقف

(بخش یازدهم)

سید جلیل محمدی^۱

تنفیذ وصیت: تأیید و امضا کردن وصیت. هرکس می‌تواند قبل از فوت تا ثلث دارایی و ماترک خود را وصیت کند.

– وصیت زیاده بر ثلث ترکه، نافذ نیست مگر با اجازه وراثت. و اگر بعضی از ورثه اجازه دهد فقط نسبت به سهم او، نافذ است. (ماده ۱۴۳ ق.م.)

تنمیق: کتاب (و قباله‌ها و نکاحیه‌ها و اسناد قدیمه) را با خط خوب و جلد و نقش و نگار زینت‌دادن. (فرهنگ عمید) ← تحریر

توابع: حقوق و عوارض اضافی. (فرهنگ معین) || جمع تابع. پیرو. چیزهای وابسته و حق و حقوق مربوطه: با توابع و لواحق و ممر و مدخل و ... (مؤلف)

– هر چیزی که طبعاً یا برحسب عرف و عادت جزء یا از توابع و متعلقات عین موقوفه محسوب می‌شود، داخل در وقف است. (ماده ۶۸ ق.م.)

تودیع: سپردن. گذاشتن چیزی در جایی یا نزد کسی. (فرهنگ عمید) || تودیع دستمزد: سپردن دستمزد. تودیع دستمزد کارشناس.

– گذاشتن مبلغی به عنوان دستمزد و حق‌الزحمه کارشناس در جایی یا به حسابی در بانک.

– تعیین مدت تودیع دستمزد کارشناس حسب مورد به عهده شعبه خواهد بود. (تبصره دو ماده ۱۲ آیین‌نامه

۱. دادستان بازنشسته سازمان ثبت اسناد و املاک کشور.

کیفیت تحقیق در شعب تحقیق سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۹/۳۰

تودیع دستمزد کارشناس: ← تودیع

تَوْرِيه: تظاهر کردن به چیزی خلاف حقیقت. (فرهنگ بزرگ سخن) || ریاکاری کردن در امری. (مؤلف)

– مراتب (منظور صلح زمین برای امر خیر) خالی از توره است. (نثار ماندگار، ص. ۲۴۷)

تَوَكِيل وکیل: ← وکیل در توکیل.

تَوَلَّى: ولایت دادن. ولی قراردادن. امری را به گردن گرفتن. (فرهنگ عمید)

– تولى بیمارستان مرقوم بعد از فوت واقف با ... (میراث ماندگار، ص. ۳۷۸)

تَوَلَّيْتُ: سرپرستی امور موقوفه. متولی و متصدی کارهای موقوفه || سرپرستی موقوفات و مزارات. (فرهنگ

معین)

– ثبت رقبه به عنوان وقفیت و حبس مثبت تولیت نیست. (ماده ۳۱ ق.ت.ث.)

تَهَاتُر: پایاپای (فرهنگستان) || در اصطلاح اقتصادی، عمل دو شخص یا دو دولت که طلبها و وامهایی را

به یکدیگر دارند، برابر و پا به پا کنند و پول نقد به هم ندهند و داد و ستد جنسی و معاوضه جنس با

جنس به طور برابر که پولی به یکدیگر ندهند. (فرهنگ عمید)

– وقتی دو نفر در مقابل هم بدهکار باشند و هر دو بدهی تا اندازه‌ای که با ه برابری کند و موضوع آن‌ها از

یک جنس باشد به طور قهری تهاتر حاصل می‌شود. (مواد ۲۹۴ تا ۲۹۶ ق.م.م.)

تَيْلِه سُون: نهالستان. (خوانسار) (فرهنگ لغات خوانسار) || قطعه زمینی که در آن انواع درختان میوه و به

ویژه صنوبر، کبوده، بید و مانند آن‌ها کاشته شده است.

– مورد وقف تیله سون جنب مسجد ... (از یک وقفنامه عادی)

تَيْمُن: همایون داشتن، خجسته داشتن، تبرک جستن. به فال نیک گرفتن. میمنت. خجستگی. (فرهنگ

معین)

تَيْمُنًا: به طور میمنت و برکت. برای تیمن. (فرهنگ معین) || تیمناً و تبرکاً (عبارت دعایی) به میمنت و

مبارکی. (مؤلف)

ثَبِت: قراردادن. استواری. نوشتن. نوشته. نوشته شده. مرقوم. (نعتنامه دهخدا) || قراردادن.

یادداشت کردن. برقرار و پایرجا کردن. || ثبت اسناد: اداره‌ای که معاملات و نقل و انتقال‌های ملکی مردم

را در دفترها و پرونده‌های خود ثبت می‌کند و سند مالکیت می‌دهد. (فرهنگ عمید)

ثبت اسناد و املاک، پس از تصویب نخستین قانون آن در سال ۱۳۰۲ ه.ش، ابتدا به نام «اداره کل ثبت

اسناد و املاک مملکتی» در تهران تأسیس شد، سپس در مراکز استان‌ها و به تدریج در شهرستان‌ها و

بخش‌ها شعباتی دایر نمود. و به موجب ماده یک قانون مزبور دوایر ثبت اسناد و املاک برای دو مقصود

تشکیل می‌شوند:

۱ – ثبت املاک، تا این که مالکیت مالکین دوالحقوق نسبت به آن‌ها تعیین و محفوظ گردد.

۲ - ثبت اسناد، برای این که اسناد رسماً دارای اعتبار شوند. ثبت کل اسناد و املاک، اکنون به عنوان «سازمان ثبت اسناد و املاک کشور» درآمده و یکی از سازمان‌های قوه قضائیه است. به طوری که ذکر شد سازمان ثبت شامل دو قسمت است: الف - ثبت املاک، وظایف آن به ثبت رسانیدن آب و املاک مردم در ادارات ثبت اسناد و املاک محل وقوع ملک و انجام عملیات ثبتی (تحدید حدود، صدور سند مالکیت، تفکیک، تجمیع، افراز و غیره) و همچنین ثبت شرکت‌ها و مالکیت‌های صنعتی و معنوی و علائم و اختراعات و سایر امور مربوط.

ب - ثبت اسناد، تنظیم و ثبت اسناد معاملات، تعهدات، وکالت و گواهی امضای اشخاص در دفتر و قبول و سپرده اشخاص و غیره در دفاتر اسناد رسمی سراسر کشور || ثبت احوال، سازمانی است وابسته به وزارت کشور و هدف و وظایف این سازمان و ادارات تابعه آن ثبت وقایع چهارگانه (تولد، ازدواج، طلاق و فوت) و امور مربوطه به آن‌ها و ... می‌باشد.

ثبت املاک موقوفه و ثلث باقی: املاک موقوفه و ثلث باقی نیز علاوه بر این که مطابق ماده ۲۱ قانون ثبت باید در دفتر املاک ثبت و سند مالکیت آن‌ها صادر شود، در دفتر ثبت موقوفات نیز ثبت می‌شود. ← ثلث باقی

ثبت مساجد و اماکن متبرکه: برای ثبت مساجد و اماکن متبرکه و مدارس قدیمه و تکایا و آب‌انبارهای عمومی، تقاضای ثبت از طرف متولی یا اداره اوقاف بدون اخذ حق الثبت و مخارج مقدماتی پذیرفته خواهد شد. (ماده ۳۰ ق.ت.)

ثقات: جمع ثقه، به معنی معتمد و شخص طرف اطمینان (فرهنگ عمید)

- اعیان و مشاهیر و ثقات شهر اعم از سادات و ... (بند ۵ منشور سنجر به قاضی عسگر در مورد موقوفات) (به نقل از کتاب سیر مالکیت در ایران، ص. ۵۶)

ثلث: سه‌یک، یک‌سوم. || ثلث ترکه: به معنی یک‌سوم ترکه (میراث)

- وصیت به زیاده بر ثلث ترکه نافذ نیست مگر با اجازه وراث (ماده ۱۴۳ ق.م.)

- املاک مورد ثلث باقی نیز در دفتر املاک موقوفه به ثبت خواهد رسید. (ماده ۱۰۷ آیین‌نامه ق.ت.)

ثلث باقی: یک‌سوم مال غیرمنقولی که موصی از ترکه برای مصرف در راه خیر معین می‌کند. || ثلث مؤبد. (ترمیمولوژی حقوق)

- در مورد ثلث باقی و مؤبد، موصی، مکلف به درخواست ثبت است. (ماده ۳۶ آیین‌نامه ثبت املاک)

ثلث مؤبد: مترادف ثلث باقی است. ← ثلث باقی. (ترمیمولوژی حقوق)

ثلث مطلق: آن ثلثی است که مورد وصیت قرار می‌گیرد ولی موصی در وصیت خود، محل مصرف آن را معین نمی‌کند. در (روش) طرز اجرای این وصیت اختلافاتی مشاهده شده است. (مبسوط)

ثمن: هشت‌یک. یک‌هشتم چیزی. اثمان جمع. (فرهنگ عمید)

|| سهم‌الارث زن (زوجه) از ماترک شوهر، در اصطلاح به یک‌هشتم یا ثمنیه معروف است. ← ثمنیه اعیانی

ثَمَنٌ: بها، نرخ، قیمت، اخس. (کم) (نعت‌نامه دهخدا) || ثمن مورد معامله: بهای مورد معامله، قیمت مورد معامله (مؤلف)

ثَمَنٌ بَخْسٌ: بهای اندک، بهای کم، قیمت اندک، قیمت ارزان.

«و شروه و بثمان بخص: فروختند او را (یوسف) را به بهای اندک و کم.» [سوره یوسف (۴) آیه ۲۰]

ثَمَنٌ مَوْرَدٌ مَعَامَلَه: ثمن معامله، بها و قیمت مورد معامله. قیمتی که برای مال (اعم از منقول و غیرمنقول) مورد معامله تعیین می‌شود.

ثَمَنِيَّةٌ اَعْيَانِيَّةٌ: هشت یک سهم زوجه بابت ارث در صورتی که اولاد برای زوج (همسر) متوفای او وجود داشته باشد یعنی زوجه از یک‌هشتم جمع ترکه (غیر از زمین) ارث می‌برد اما از عین ابنیه ارث نمی‌برد ولی از قیمت آن‌ها ارث می‌برد. (ترمینولوژی حقوق)

یادآوری: همان طوری که در آیه شریفه ۱۲ سوره نساء تصریح گردیده است: «... ولهن الربع مما ترکتم ان لم یکن لکم ولدٌ فإن کان لکم ولدٌ فلهن الثمن مما ترکتم ... : و از برای آنها است چهار یک آنچه گذاشتید اگر نباشد مر شما را فرزندی پس اگر باشد مر شما را فرزندی پس از برای آنها است هشت یک از آنچه گذاشتید ...»

- برابر ماده ۹۴۶ اصلاحی (۸۷/۱۱/۶) قانون مدنی «... زوجه در صورتی که از زوج فرزند داشته باشد یک‌هشتم از عین اموال منقول و یک‌هشتم از قیمت اموال غیرمنقول (اعم از اعیان و عرصه) ارث می‌برد و در صورتی که زوج هیچ فرزند نداشته باشد سهم زوجه یک‌چهارم از کلیه اموال به ترتیب فوق می‌باشد.»

ثَمِينٌ: گران بها، پُر بها، پرقیمت، قیمتی. (فرهنگ عمید)

- کاسه، بشقاب، لاله و آویزهای قدیمی و ثمین مشروحه ذیل: ... (بند ۵/ از وقف‌نامه عادی قدیمه)

ثَنِيَّةٌ: بیوه، زن شوهر مُرده و زنی که از شوهرش طلاق گرفته باشد. زن مرددیده و نیز مردی که ازدواج کرده و زن گرفته باشد... استعمال این کلمه در مذکر و مؤنث یکسان است. جمع آن در مؤنث ثبیات است. (فرهنگ عمید) || ثبیه: زن بیوه. خانمی که همسرش فوت شده باشد یا از او طلاق گرفته باشد. (مؤلف)

- همه ساله مبلغ پنجاه تومان از عواید موقوفات به عیال ثبیهام مسمات به ... مدام الحیوة داده شود.

(سند وقفی قدیمی مربوط به تاجر فرش فروش تهرانی)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی